

تبیین نقش الگویی فاطمه زهرا علیها السلام در قرآن کریم

زینب سادات هاشمی^۱، بتول سادات هاشمی^۲

چکیده

تربیت الگویی یکی از مهمترین روش‌های تربیت است، آیات و روایات به این روش تربیتی اهتمام زیادی داشته و به اشکال متنوع و به انواعی از دلالت‌ها، الگوهای را معرفی کرده‌است. یکی از این الگوهای ممتاز براساس روایات متعدد، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است. هرچند به دلایل متعدد از جمله تقارن با زمان نزول در قرآن کریم، نام آن حضرت ذکر نشده، اما به دلالت روایات در آیات متعددی سخن از مقامات و فضائلی از ایشان است که نشانه اهتمام بر معرفی ایشان با عنوان الگوست. نوشتار حاضر به روش توصیفی-تحلیلی به معرفی تبیین مقامات و ویژگی‌های که دال بر شخصیت الگویی آن حضرت است، می‌پردازد. برخی از این مقامات عبارتند از: کلمه طیبه بودن، صراط مستقیم بودن، مرجع بودن، هدایتگر بودن، صراط مستقیم بودن، همراه لازم مؤمنین بودن و آبرومند بودن. برخی از ویژگی‌های ممتاز ایشان نیز عبارتند از: عصمت، صداقت، صبر، امید به لقاءالله، وفای به نذر و سخاوت.

واژگان کلیدی: الگو، فضائل اخلاقی، صراط مستقیم، هدایتگر.

^۱. دانش‌آموخته دکتری و مربی همکار گروه قرآن و حدیث و علوم تربیتی، مؤسسه آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

Email: Hashemizainab@gmail.com

ORCID: 0000-0001-9408-7642

^۲. کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآن. دانشگاه مجازی المصطفی، قم، ایران.

Email: s12, hashemi@gmail.com

ORCID: 0000-0002-9350-5395

۱. مقدمه

الگوپذیری امری فطری است که ریشه در میل انسان به کمال دارد و در سنین مختلف از بدیهیات تربیتی و یکی از مبانی مسلم انسان شناختی است. از آن جا که الگو امری محسوس و واقعی است و آرزوها و اهداف را دست یافتنی و ملموس جلوه می دهد و از حالت آرمان بودن و وجود ذهنی خارج می کند و اطلاعات و شئون مختلف یک شخصیت را یک جا در اختیار انسان قرار می دهد و متکی بر حافظه گفتاری نیست و حافظه عاطفی انسان و حتی در مواردی با تصاویر واقعی یا ذهنی، حافظه دیداری را نیز درگیر می کند، اشتیاق و امید انسان را برای دستیابی به کمال مطلوب افزایش داده، انگیزه انسان را برای تأسی به الگو به حرکت درمی آورد. حضرت فاطمه زهرا علیها السلام یکی از الگوها و شخصیت های ممتاز اسلام است که نقش الگویی در جامعه اسلامی داشته و به دلالت آیات و روایات، الگو معرفی شده است. روایات زیادی از شیعه و اهل سنت به گونه ای سخن از مقامات و فضائل اخلاقی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام دارد که دلالت بر شاخص بودن و الگو بودن ایشان است. یکی از عناوین مهم ایشان در جامعه اسلامی که بسیار مورد تأکید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده، شاخصه سروری حضرت زهرا علیها السلام است که دلالت خوبی بر نقش الگویی آن حضرت دارد. این شاخصه بارها و با عبارات مختلف به نقل از ایشان بیان شده و برای نمونه آمده است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «وَأَمَّا ابْنَتِي فَاطِمَةُ فَإِنَّهَا سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأُولِيِّينَ وَالْآخِرِينَ؛ اما دخترم فاطمه، پس همانا او سرور زنان جهانیان است از اولین تا آخرین». (صدوق، ۱۴۰۰، ص ۱۱۳) در جای دیگر آمده است: «فَاطِمَةُ بَعْضَةٌ مِنِّي مَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي يَرْضَى اللَّهُ لِرِضَاهَا وَ يَغْضَبُ لِعُضْبِهَا وَ هِيَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» (صدوق، ۱۴۰۰، ص ۱۱۳؛ دیلمی، ۱۴۱۲، ۲/۲۳۲). در جای دیگر به صورت کامل تر تصریح شده است: «وَأَمَّا ابْنَتِي فَاطِمَةُ فَإِنَّهَا سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأُولِيِّينَ وَالْآخِرِينَ؛ فاطمه پاره تن من است و کسی که او را بیازارد مرا آزرده است. خداوند از رضایت او راضی می شود و از غضب او غضبناک می شود و او سرور زنان جهانیان است» (صدوق،

۱۴۰۰، ص ۱۱۳/ علاوه بر روایاتی که سخن از سروری ایشان بر زنان عالم دارد در توقیعی از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف آمده است که ایشان فرموده: «و فی ابنه رسول الله لی اسوه حسنه؛ دختر رسول خدا برای من الگوی نیکویی است» (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۲۸۶)؛ یعنی ایشان الگوی امام زمان معرفی شده است. آن حضرت در حدیث دیگری فرمود: «نحن حجج الله علی الخلقه و جدتنا فاطمه حجه علینا؛ ما حجت‌های خداوند بر خلائق هستیم و فاطمه حجت خدا بر ماست» (طیب، ۱۳۷۰، ۱۳/۲۲۶). الگو و حجت برای والاترین مقام در جامعه انسانی، الگو برای بهترین شدن است که به نقل این روایات، حضرت فاطمه علیها السلام چنین نقش و جایگاهی دارد.

قرآن کریم معجزه هدایت و تربیت است و به این روش تربیتی توجه خاصی دارد و با روش‌های متعدد، الگوهایی را برای انسان معرفی می‌کند. برای نمونه، گاه افرادی را نام برده و با عبارات متفاوتی مانند اسوه، (ر.ک.، احزاب: ۲۱) مَثَل (ر.ک.، تحریم: ۱۰ و ۱۱) و مقتدا (ر.ک.، انعام: ۹۰) آنها را الگو معرفی کرده است. در موارد بسیاری نیز به دلایلی مانند هم‌زمانی الگو با زمان نزول، سخنی از نام الگو نبرده و به روشی بسیار جذاب‌تر، ویژگی‌ها و خصوصیات را معرفی کرده است. برای نمونه مانند دیگر مباحث قرآنی با دلالت روایات به شخصیت‌های نمونه اشاره دارد که شخصیت الگویی حضرت فاطمه علیها السلام نیز چنین است. با وجود تلاش‌های زیادی که به‌ویژه از جانب اندیشمندان و محققین شیعه و دوستان اهل بیت علیهم السلام برای معرفی آن حضرت در طول تاریخ اسلام انجام شده است و با وجود آیات و روایات متعدد و فراوان در شأن ایشان، تحقیقات در مورد این شخصیت والا که ابعاد شخصیتی آن حضرت را از منظری قرآنی معرفی کند به حد کافی انجام نشده است. بنابراین، شخصیت قرآنی این بزرگوار در پرده‌ای از غفلت و ابهام پوشیده شده است. نوشتار حاضر باروش توصیفی-تحلیلی در متن آیات و با استناد به روایات و سنت معصومین و به ویژه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شخصیت والای الگویی ایشان را معرفی می‌کند.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. الگو

این کلمه واژه‌ای ترکی است و برخی آن را ریشه در زبان سانسکریت یافته و معتقدند این کلمه، کلمه‌ای هندی و اروپایی است که وارد زبان فارسی شده است. (فرتاش، ۱۴۰۱) در لغت فارسی به معنای مدل، سرمشق، مقتدا، اسوه، قدوه، مثال و نمونه است (دهخدا، مدخل الگو). مهمترین واژه قرآنی و روایی که به این مضمون دلالت دارد، همان اسوه است. اسوه و اسوه بر وزن قدوه و قدوه درجایی به کار می‌رود که انسان در نیکی و بدی از دیگری تبعیت و پیروی می‌کند چه در شادمانی یا در زیانمندی. خدای متعال می‌فرماید: «قَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ؛ هر آینه برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود» (احزاب: ۲۱). از این رو در آیه فوق، اسوه و نمونه را خدای تعالی با واژه حسنه، یعنی صفت نیکو وصف کرده است. عبارت تأسیت به یعنی، «به او تأسی جستم» (اصفهانی، ۱۴۱۳، ص ۷۶). هرچند واژه تقلید، مفهومی نزدیک به این معنا دارد، اما برخی محدوده تقلید را خاص تر از الگوپذیری دانسته‌اند و مدعی تقلید فقط مربوط به زمانی است که رفتار تقلیدی در غیاب الگو یا نمونه مورد تقلید صورت می‌گیرد (فراهیدی، ۱۴۱۰، ۱۵۱/۴).

۲-۲. اخلاق

این کلمه جمع خُلُق و از ریشه خلق است. هرچند خُلُق و خَلَق هر دو به معنای ساختن و آفرینش است، اما خَلَق آفرینش، هیئات، اشکال و صورتی است که با چشم دیده می‌شوند و خُلُق، آفرینش قوا و سجایایی است که با بصیرت دیده می‌شوند. (اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۲۹۷) خُلُق به معنای طبیعت و سرشت است (ابوحیان، ۱۴۰۴، ۱۹۴/۴؛ جوهری، ۱۴۱۰، ۱۴۷۰/۴). در اصطلاح، گاه اخلاق به صفات نفسانی رسوخ یافته در نفس گفته می‌شود که یا اکتسابی بوده و بر اثر تمرین و تکرار به وجود آمده است و یا غیراکتسابی است و گاهی هم اخلاق را در مورد صفاتی که رسوخ یافته در نفس نیست، ولی متصف به خوب و بد است به کار می‌برند مثل اخلاق دروغ‌گویی یا راست‌گویی.

گاهی نیز منظور از رفتار اخلاقی، رفتار خوب و شایسته است و رفتارهای ناشایسته، ضد اخلاق تلقی می‌شوند (عالمی، ۱۳۵۶، ص ۴۵).

۳. شاخصه‌های الگویی حضرت فاطمه علیها السلام در قرآن کریم

هرچند نام مبارک حضرت فاطمه زهرا علیها السلام مانند نام بزرگان دیگری که در زمان نزول بوده‌اند که در قرآن ذکر نشده است، اما ذکر شأن نزول آیات متعدد و به شهادت اخباری که از شیعه و اهل سنت، دلالت بر جایگاه ویژه‌ای ایشان دارد، بدین صورت که برخی از آیات، فرمان عمومی به همراهی با شخص یا اشخاصی می‌دهد که به جای نام، ویژگی‌های اخلاقی آنها بیان شده و با تأکید به دیگران، فرمان اطاعت از آنها داده شده است. آیاتی از فضیلت‌ها، بزرگی‌ها و شایستگی‌های افرادی بدون ذکر نام آنها با تحسین سخن می‌گوید تا میل و شوق انسان‌ها را برانگیزد که این افراد را بشناسند و تلاش کنند، مانند آنها باشند. در همه این موارد منظور از این افراد، اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله است که باز به استناد روایت متعدد شیعه و اهل سنت منظور از اهل بیت یا آل پیامبر صلی الله علیه و آله حضرت فاطمه علیها السلام و همسر و فرزندانش است. بنابراین، باتوجه به دلالت این‌گونه آیات و روایات، با شاخص کردن آن حضرت و بیان مقامات و فضایل ایشان، آن حضرت را اسوه، الگو، راهبر و هدایت‌گر معرفی کرده است که برخی از این آیات عبارتند از:

۳-۱. طیبه

حضرت زهرا علیها السلام کلمه طیبه الهی است؛ همان کلمه شفاعت‌کننده‌ای که حضرت آدم علیها السلام به واسطه او و خانواده‌اش از خداوند طلب بخشش کرد. از حضرت علی علیه السلام نقل است که فرمود: «از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سؤال کردم در مورد این قول خداوند که می‌فرماید: "پس آدم از پروردگارش کلماتی را یاد گرفت و توبه کرد". پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: بگیر آن کلمات را که خداوند قبول‌کننده توبه و بخشنده گناه است. بگو: خدایا! همانا من به حق محمد و آل محمد از تو درخواست می‌کنم، تو پاک و منزهی، الهی! جز تو وجود ندارد. بدی انجام دادم و به خودم ستم کردم، پس توبه مرا بپذیر. تو بسیار توبه‌پذیر و مهربانی». (سیوطی، ۱۴۰۴، ۶۱/۱؛ ابن

بابویه، ۱۴۰۳، ص ۱۲۵) همان کلماتی که حضرت ابراهیم علیه السلام به صورت کامل از جانب خداوند متعال دریافت کرد (قندوزی، ۱۴۱۶، ص ۲۵؛ ۱۴۰۳، ۱۱/۱۷۷). کلمه طیبه مانند درخت پاکی است که اصلی ثابت دارد و شاخه‌های آن در آسمان است و برای صاحبش همواره ثمر دارد. خداوند متعال برای مردم این مثل را می‌زند تا آنها متوجه و متذکر باشند. (قرائتی، ۱۳۸۳، ۲۸۳/۶) روایات دیگر نیز بیانگر این مطلب است که منظور از کلمه طیبه، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و پدر و همسر و فرزندان آن حضرت است. در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است: «حَدَّثَنَا أَبِي، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: أَنَا الشَّجَرَةُ وَ فَاطِمَةُ فَرْعُهَا وَ عَلِيُّ لِقَاحُهَا وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ثَمَرُهَا وَ أَغْصَانُ؛ پدرم از امام صادق علیه السلام و ایشان از پدرشان و از جدشان و ایشان از پدرشان و از حضرت علی علیه السلام نقل کردند که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: من درخت و فاطمه شاخه‌ها و علی لقاح و حسن و حسین میوه و شاخه‌های جوان هستند» (طوسی، ۱۴۱۴، ص ۶۱۱؛ حسکانی، ۱۴۱۱، ۴۰۷/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۶۹/۶۵). از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: «من آن شجره‌ام که در آیه ذکر شده است و فاطمه علیها السلام فرع و تنه آن شجره است، علی علیه السلام لقاح آن است دو فرزندم حسن و حسین علیهما السلام میوه‌های آن هستند، شیعیان ما برگ‌های آن درخت هستند. اصل و ریشه درخت در بهشت عدن است و سایر قسمت‌های درخت در سایر بهشت‌هاست». وجه جمع این تعبیر در تفسیر کلمه طیبه می‌تواند این باشد که حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و خانواده بزرگوارش مصداق اتم و اکمل کلمه طیبه است؛ زیرا این حضرات مانند یک درخت واحد رشد یافته، پرتمر و پایدار هستند و برکات آنها زندگی دنیا و آخرت همه انسان‌ها و به‌ویژه مسلمان را فرا گرفته است.

۳-۲ صادق و صدیقه

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و خانواده‌اش همان صادقینی هستند که خداوند متعال به همه مؤمنان فرمان داده که همراه آنها باشند. خداوند متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! تقوای الهی پیشه کنید و همراه با صادقین باشید». (توبه: ۱۱۹) کلمه صدق به معنای این است که گفتار و یا خبری که داده می‌شود با خارج مطابق باشد و

کسی که خبرش مطابق با واقع و خارج باشد را صادق می‌گویند. اطلاق امر به تقوی و اطلاق کلمه صادقین و اینکه به طور مطلق فرموده است: «كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ؛ با صادقین باشید (معیت به معنای همکاری و پیروی کردن است) قرینه‌هایی هستند که دلالت می‌کنند بر اینکه مقصود آیه شریفه این است که مؤمنین را دستور می‌دهد، صادقین را در گفتار و کردارشان پیروی کنند.» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۴۰۲/۹). پیامبر ﷺ در روایات مختلف، صادقین را به اهل بیت ﷺ (حضرت فاطمه زهرا ﷺ همسر و فرزندانشان) معرفی کرده است. امام باقر ﷺ در تفسیر آیه «وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» فرمود: «مَعَ آلِ مُحَمَّدٍ؛ یعنی همراه با آل محمد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۸/۲؛ دیلمی، ۱۴۱۲، ۳۴۳/۱). براساس روایاتی که بیان شد منظور از آل محمد ﷺ، حضرت فاطمه ﷺ همسر و فرزندان ایشان است.

صداقت یکی از فضایی است که قرآن کریم زیاد از آن سخن گفته است. صداقت به کلام الهی: «وَمَنْ أَضْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا» (نساء: ۸۷). «وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا وَمَنْ أَضْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا؛ خداوند وعده حق می‌دهد و چه کسی از خداوند راست‌گوتر است» (نساء: ۱۲۲). «وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا؛ و یاد کن در کتاب اسماعیل را همانا او صادق الوعد و رسول نبی است» (مریم: ۵۴). صادقین که افرادی مؤمن به خدا و پیامبرش، مجاهد در راه خدا، یاری‌گر خدا و رسولش و تلاش‌گر برای به دست آوردن فضل و رضوان الهی معرفی شده‌اند: «جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ؛ با اموال و جان‌هایتان در راه خدا جهاد کنید. ایشان همان صادقان هستند» (حجرات: ۱۵). از منظر کلام الهی، بهترین دوستان عبارتند از: «مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصَّادِقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسَنَ أَوْلِيَّكَ رَفِيقًا؛ از پیامبران و صدیقین و شهدا و صالحین و ایشان رفیقان نیکویی هستند» (نساء: ۶۹). در سوره احزاب آمده است که از صداقت بازخواست شده است: «لَيْسَتِ الصَّادِقِينَ عَنْ صِدْقِهِمْ وَأَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا أَلِيمًا؛ برای اینکه از صادقین از صدقشان سؤال شود و برای کافرین عذاب دردناک وعده داده شده است» (احزاب: ۸). برای آن، پاداش داده می‌شود؛ پاداش‌هایی همچون نعمت‌های بهشتی: «قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمٌ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ

تَحْتَهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ؛ خداوند متعال گفت: این روزی که صادقین را صدقشان نفع می‌دهد برای ایشان باغ‌هایی است که در زیر آنها نهرهایی جاری است که جاودان در آن هستند برای ابد خداوند از ایشان راضی است و ایشان از خداوند راضی شدند این پیروزی بزرگی است» (مائده: ۱۱۹)، «أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَالشُّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ؛ ایشان همان صادقین و شهدا هستند در نزد خداوند برایشان اجرشان و نورشان است» (حدید: ۱۹). به اهل ایمان فرمان داده شده است که با صادقین باشند.

۳-۳. مرجع سؤالات

حضرت فاطمه علیها السلام از افراد خاصی است که اهل علم، عقل و بیان است و فرمان الهی است که باید از آنها سؤال کرد. در تفسیر و توضیح عبارت آیه «فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» آمده است: «اهل الذکر یعنی، اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله و سلم، علی و فاطمه و الحسن و الحسین و هم اهل العلم و العقل و البیان؛ اهل ذکر یعنی، اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله و سلم یعنی، حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام و امام حسن و امام حسین علیهم السلام و ایشان اهل علم و عقل و بیان هستند» (مازندرانی، ۱۳۸۲، ۳۲۰/۵)؛ یعنی ایشان خبره در مسائل دینی و مرجع سؤالات هستند (قرائتی، ۱۳۸۳، ۳۹۹/۶).

۳-۴. هدایت‌گر به حق

خداوند متعال در آیه ۱۸۱ سوره اعراف خبر می‌دهد که در میان انسان‌هایی که آفریده است، کسانی هستند که مردم را به توحید و دین حق دعوت و ارشاد و به حق حکم می‌کنند. (طوسی، ۱۴۱۴، ۷۷۳/۴) «وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ؛ و از میان کسانی که آفریده‌ایم، گروهی هستند که به حق هدایت می‌کنند و به حق دآوری می‌نمایند» (اعراف: ۱۸۱). منظور این است: «ما شما را به امری واقع‌نشده و خارج از طاقت بشر امر نمی‌کنیم، برای اینکه در میان شما گروهی هستند که حقیقتاً حق را یافته و پذیرفته‌اند. بنابراین، خداوند به هدایت خاصه خود تکریمشان کرده است» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۳۴۵/۸). امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه ۱۳۶ و ۱۳۷

سوره بقره می‌فرماید: «قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ، إِنَّمَا عَنَىٰ بِهَا عَلِيَا وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ جَرَّتْ بَعْدَهُمْ فِي الْأَثْمَةِ»؛ قول خداوند متعال: «قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ؛ یعنی منظور از آنهایی که گفتند ایمان داریم به خدا، علی و فاطمه و حسن، حسین هستند و البته این حکم بر امامان پس از ایشان نیز جاری است» (عیاشی، ۱۴۲۱، ۱۵۹/۱). در منبع دیگری آمده است: «فَهَذِهِ الْآيَةُ لِأَلِ مُحَمَّدٍ وَ أَتْبَاعِهِمْ؛ این آیه در مورد خاندان محمد ﷺ و پیروان ایشان است» (دیلمی، ۱۴۱۲، ۲۶۹/۱ و ۲۵۸/۲). بنابراین، چنانچه در اخبار متعدد قوم هدایت‌گر، آل پیامبر ﷺ معرفی شده‌اند؛ یعنی فاطمه زهرا عليها السلام از هدایت‌گران به طریق الهی است. با توجه به امر الهی بر همراهی با این بزرگوار، فرمان به جهت‌گیری به سوی او و معرفی او به صورت هدایت‌گر، آن حضرت الگو معرفی شده است.

۳-۵. صراط مستقیم

در روایات آمده است که منظور از صراط مستقیم در سوره حمد پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت او یعنی، حضرت فاطمه زهرا عليها السلام و همسر و فرزندان اوست. در این روایت آمده است: «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ یعنی، محمدا و ذریته صلوات الله علیهم؛ صراط الذین انعمت علیهم، منظور محمد و ذریه او صلوات الله علیهم هستند» (ابن بابویه، ۱۴۱۵، ۲۳/۱). ایشان صراط مستقیمی هستند که همه مؤمنین و مسلمین در همه نمازها از خداوند متعال جهت‌گیری به سمت آنها و رسیدن به آنها را می‌خواهند؛ همان کسانی که خداوند به آنها نعمت داده است، آنهایی که در جبهه مخالف مغضوبین و گمراهان قرار دارند. وقتی فردی مصداق راه درست است، انسان باید به سمت او برود.

۳-۶. همراه لازم و ضروری

در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید از [مخالفت فرمان] خدا بپرهیزید و با صادقان باشید» (توبه: ۱۱۹) خداوند متعال به مؤمنین دستور می‌دهد که اهل تقوا باشند و با صادقین همراهی کنند. همراهی که در این آیه به آن

فرمان داده شده ملازم بودن و پیروی است (طباطبایی، ۱۳۱۷، ۴۰۲/۹). ملازمت از لوازم پیروی است و در روایتی که جابر از امام صادق علیه السلام نقل شده که صادقین پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و آل ایشان شامل حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، امام علی علیه السلام و امام حسن و امام حسین علیهم السلام است. حضرت فرمود: «كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ؛ یعنی با آل محمد صلی الله علیه و آله باشید» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۸/۲). در روایتی که در منابع اهل سنت به نقل از امام باقر علیه السلام آمده است: «وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ قَالَ: مَعَ آلِ مُحَمَّدٍ؛ همراه با صادقین باشید؛ یعنی همراه با آل محمد صلی الله علیه و آله باشید» (دیلمی، ۱۴۱۳، ۳۴۵/۱). باتوجه به روایت، این آیه از مهمترین آیاتی است که بر الگو بودن حضرت فاطمه زهرا علیها السلام برای همه مؤمنین دلالت دارد.

۳-۷. آبرومند در نزد خداوند

همه این مطالب نشان دهنده این مدعا هستند که حضرت زهرا علیها السلام در فضایل اخلاقی شهرتی داشته که دیگر نیاز به بیان نبوده است. آنچه باید بیان می شد این است که ایشان با این همه فضایل چه جایگاهی دارند. اینکه ایشان تنها زنی است که از میان همه زنان مسلمان زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله برای مقابله با شرک انتخاب شدند: «و قد أطبق المفسرون و اتفقت الروایة و أیده التاريخ: أن رسول الله صلی الله علیه و آله حضر للمباهلة و لم يحضر معه إلا علی و فاطمة و الحسنان؛ روایات اتفاق نظر دارند و مفسرین در این مسئله توافق دارند و تاریخ نیز تأیید می کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای مباهله حاضر شد درحالی که کسی جز حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام و حسنین علیهم السلام با ایشان نبود» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۲۲۳/۳؛ فخرالدین رازی، ۱۴۰۳، ۲۴/۸). تفسیر آیه، عظمت علمی و معنوی آن بانوی بزرگوار را بازگو می کند که در اثر آراسته شدن وی به سجایا و کمالات الهی برایشان حاصل شده است. این شاخصه مهمی برای الگو بودن در مسیری است که قرار است راه آن محبوب و مطلوب الهی باشد.

۴. تجلی مقامات حضرت فاطمه علیها السلام در قرآن کریم

قرآن کریم، سراسر بیان فضائل و ردایل و یا به تعبیری، خیر و شر است و به تناسب آنها مصداقی از افراد یا جوامع با فضیلت یا گرفتار زدیت است. سلوک آن بیانگر فضائل اهل بیت علیهم السلام نیست، بلکه سخن از مقامات و جایگاه ویژه ایشان دارد؛ یعنی: آیات و سوره‌هایی هستند که حتی به ادعای اهل سنت بیانگر شأن و مقام والای حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و خانواده والامقامش هستند. سوره دهر در مورد حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام و امام حسن و حسین علیهم السلام نازل شده است. (طبری، ۱۳۵۶، ۱۹۶۸/۷)

۱-۴. خیر کثیر

مفسرین براساس روایات، وجود مبارک حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را روشن‌ترین مصداق کوثر می‌داند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۵/۵۹۹). براساس روایاتی معتقدند که حضرت زهرا علیها السلام همان خیر کثیری است که به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله داده شده است؛ یعنی کوثر را خیر و برکت بسیار معنا کرده‌اند: «و قد استفاضت الروایات أن السورة إنما نزلت فیمن عابه ص بابت بعد ما مات ابناه القاسم و عبدالله و بذلك یندفع ما قیل: إن مراد الشانئ بقوله: «الأبتر» المنقطع عن قومه أو المنقطع عن الخیر فرد الله علیه بأنه هو المنقطع من کل خیر» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۶/۴۰۲). این معنا توسط فرزندان حضرت فاطمه علیها السلام محقق شده است به گونه‌ای که عدد ذریه او از شمارش خارج است و این روند تا روز قیامت تداوم دارد» (طبرسی، ۱۴۱۵، ۱۰/۴۵۸). در ذیل سوره کوثر در تفسیر محاسن التأویل، آمده است: «فأنزل الله تعالی: إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ أی العدد الكثير و لست بالأبتر الذی قالوه و مراده بالعدد الكثير الذریة و هم أولاد فاطمة؛ پس نازل کرد خداوند متعال "انا اعطیناک الکوثر" را؛ یعنی عدد کثیر و ابتر نیست کسی که در مورد او گفته شده بود و مراد از عدد کثیر، ذریه است؛ یعنی اولاد فاطمه علیها السلام» (قاسمی، ۱۴۱۸، ۹/۵۵).

قرآن کریم خطاب به زنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «در خانه بنشینید، تبرج نکنید، به رفتارهای گذشته برنگردید، نماز و زکات را ادا کنید و از خداوند و پیامبرش اطاعت کنید». به‌ناگاه لحن کلام عوض می‌شود و در مورد فاطمه علیها السلام و پدر و همسر و فرزندان می‌فرماید: «إِنَّمَا يَرِيْدُ اللّٰهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً؛ تنها اراده خداوندی است که فقط پلیدی‌ها از شما اهل بیت دور باشد و به شما طهارت دهد» (احزاب: ۳۳). یکی از آیاتی که در آن سخن از فاطمه زهرا علیها السلام و فضائل آن حضرت آمده، آیه تطهیر است. به اتفاق عموم مفسران شیعه این قسمت از آیه در مورد رسول اکرم صلی الله علیه و آله، امام علی علیه السلام، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، و امام حسن و امام حسین علیهما السلام است. ایشان به روایاتی که اهل بیت و شأن نزول آیه را فقط در شأن همین پنج تن معرفی می‌کنند و حتی بر ظواهر و سیاق خود آیه شریفه نیز استناد می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۳۰/۱۶). عده‌ای از علما و مفسران اهل سنت مانند فخر رازی فقط همین مطلب را بیان می‌کند و اسامی خمسه طیبیه یعنی، رسول اکرم صلی الله علیه و آله، امام علی علیه السلام، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، امام حسن و امام حسین علیهما السلام را یکی از دو نظر محل اختلاف بیان می‌کند و شرح نداده، می‌گذرد (فخرالدین رازی، ۱۴۰۳، ۱۶/۲۵). بیان این آیه از باب الگودهی به مسلمانان است که آن بزرگوار مبرا از هر قصور و تقصیری در اجرای دستورهای الهی است.

به‌استناد آیه تطهیر، حضرت فاطمه علیها السلام پاک است و این بدین معنا نیست که آنها عیب و گناه داشته‌اند، اما خداوند آنها را پاک کرده است؛ زیرا در ضمن معنای اراده خداوندی بر دوری از گناه و پاکی اهل بیت علیهم السلام نمی‌تواند اراده تشریحی باشد؛ زیرا اراده تشریحی خداوندی بر پاکی همه بندگان است و حصر کردن آن در عده‌ای، آن هم با این همه تأکید معنایی ندارد. بنابراین، اراده الهی در اینجا متفاوت با اراده تشریحی و در واقع اراده‌ای تکوینی بر دوری از پلیدی و طاهر بودن آنهاست. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۳۱۳/۱۶) چطور می‌توان پذیرفت که خداوند متعال از میان بندگان گنه‌کار خود عده‌ای را انتخاب کرده و گناهان آنها را پاک کند و بعد به آنها بدون دلیل



موجهی طهارتی متفاوت و خاصی که برای دیگر بندگان خود آن را نخواست است، هدیه کند. این از عدالت خداوند به دور است حال آنکه چنین رفتاری را در مقابل دیگران نداشته و آنها را به دلیل گناهان و خطاهایشان معاتبه و معاقبه می‌کند.

۴-۳. راضیه و مرضیه

خداوند متعال حضرت زهرا علیها السلام را از پلیدی‌ها دور کرده و به او طهارت می‌دهد. این به این معنا است که جمیع رذایل از ساحت ایشان و خانواده پاکش به دور است و با طهارت الهی، فضایل پسندیده و پاکیزه در او جمع است. علامه مجلسی می‌نویسد: «وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به ایشان و خانواده‌اش می‌فرماید: *أَنَا حَزْبٌ لِمَنْ حَارَبَهُمْ وَ سَلَّمَ لِمَنْ سَالَمَهُمْ*؛ من دشمنم با هرکه با ایشان دشمنی کند و در صلح با کسی که با ایشان در مسالمت باشد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۶۲/۲۷) و می‌فرماید: «*أَنَّهَا سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأُولِيِّينَ وَالْآخِرِينَ وَأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَغْضَبُ لِعَضْبِهَا وَيَرْضَى لِرِضَاهَا وَقَالَ النَّبِيُّ ص فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي مَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي وَمَنْ غَاظَهَا فَقَدْ غَاظَنِي وَمَنْ سَرَّهَا فَقَدْ سَرَّنِي*؛ همانا او سرور زنان جهانیان از اولین و آخرین است و همانا خداوند عزوجل غضب می‌کند از غضب او راضی است از رضایت او. چنانچه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: فاطمه پاره تن من است؛ هرکس او را بیازارد مرا آزرده و هرکه او را ناراحت کند مرا خشمگین کرده و هرکه او را شاد کند مرا شاد کرده است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۶۲/۲۷). بنابراین، ایشان جامع جمیع محاسن بوده آن‌گونه هستند که رضا و خشنودی و غضب ایشان رابطه همسویی با رضایت خداوندی، خشنودی و غضب الهی دارد. بنابراین، ایشان راضیه و مرضیه خوانده شده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۶/۴۲).

۴-۴. وفا

وفای به پیمان‌ها یکی دیگر از فضایل و کمالات انسان است که هر انسانی فارغ از اینکه دین خاصی داشته باشد یا نداشته باشد آن را خوب و فضیلت می‌داند. بیشتر انسان‌ها برای ثبات زندگی اجتماعی و برقراری رابطه مناسب با دیگران سعی می‌کنند تا حداقل حدودی از وفا را

داشته باشند؛ زیرا منافع فردی و اجتماعی‌شان چنین اقتضا می‌کند. بنابراین، همه این الزامات تاحدی است که به نفع او و وجهه شخصیتی او در جامعه باشد، اما اگر پای سختی، فشار بر خود، گذشت از خود آن هم در بی‌خبری مردم و بدون اینکه نفعی ظاهری بر خود انسان داشته باشد پیش آید، پای خیلی از انسان‌ها در عمل به وعده سست می‌شود. شاید به همین دلیل است که انسان در قول و قرارهایی که با خدا می‌بندد از خدا توقع زیادی دارد و وقتی به خواسته‌اش رسید بر خود خیلی سخت نمی‌گیرد، اما وقتی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بین خود و خدایش پیمانی دارد بر سر پیمان خود هست و سختی‌های طاقت‌فرسایی را تحمل می‌کند. در سوره انسان آمده است: «ابرار از جامی می‌نوشند که مزه خاصی دارد و از چشمه‌هایی که عبادالله از آن مدام بهره‌مندند. آنها وفاکنندگان به نذر هستند و پاداششان به دلیل صبری که کردند بهشت و حریر است» (انسان: ۵-۷ و ۱۲).

روایات متعدد از شیعه و اهل سنت این سوره را در شأن حضرت فاطمه علیها السلام و خانواده بزرگوارش معرفی می‌کند. (زمخشری، ۱۴۰۷، ۲۹۹/۶؛ ابوحیان، ۱۴۲۰، ۳۹۵/۸) «من روایة عطاء عن ابن عباس: أن الحسن و الحسين مرضا فعادهما جد هما محمد صلی الله علیه و آله و معه ابوبکر و عمر رضی الله تعالی عنهما و عادهما من عادهما من الصحابة فقالوا العلی کرم الله تعالی وجهه: یا أبا الحسن لو نذرت علی ولدیک فنذرت علی و فاطمه و فضة جاریة لهما إن برآ مما بهما أن یصوموا ثلاثة أيام شکرًا فهبط جبریل علیه السلام فقال: خذها یا محمد هنّاک الله تعالی فی أهل بیتک قال: "و ما آخذ یا جبریل" فقرأه هل أتى علی الإنسان» (دیلمی ۱۴۱۲، ۴۰/۲). این روایت بیانگر این است که سوره انسان زمانی نازل شد که حضرت فاطمه علیها السلام و خانواده اطهرش بعد از اینکه برای سلامتی حسنین علیهما السلام نذر کردند سه روز روزه گرفتند: «در آن ایام فقر و مشکلات اقتصادی جامعه نوپای اسلامی را به سختی انداخته بود. بنابراین، امام علی علیه السلام برای افطار قدری گندم از یک یهودی قرض گرفت و حضرت فاطمه زهرا علیها السلام آن را سه قسمت کرد و هر شب یک سوم آن را برای افطار آماده کرد، اما هر سه شب، فقیر و یتیم و اسیر به در خانه آنها آمدند و افطارشان را به آنها دادند و خود با آب افطار کردند و روز بعد را روزه گرفتند. بعد از سه روز وقتی امیرالمؤمنین علیه السلام به همراه حسنین علیهما السلام به مسجد رفته بود و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله،

حسین علیه السلام را در مسجد با حالتی رنگ پریده دید که ضعف شدیدی بر آنها غالب شده و از شدت ضعف می لرزیدند و وقتی وارد خانه آنها شد، حضرت فاطمه علیها السلام را دید که رنگ از رویش پریده و شکمش به پشتش چسبیده، ولی همچنان عاشقانه در محراب بی هیچ ادعا و ناراحتی گرم سخن گفتن با معبود است اشک از دیدگانش سرازیر شد و در همان حال این سوره نازل شد. «در این سوره حضرت فاطمه علیها السلام و خانواده اش، ابرار خطاب شده اند و در بیان ویژگی های آنها آمده است: «یوفون بالنذر». آمدن فعل مضارع دلالت بر استمرار دارد مانند اینکه خداوند متعال به پیامبرش می گوید: «اینها فقط این بار این گونه نبوده اند و این اخلاق آنها شده است که به نذرهایش وفا می کنند و یکی از ملکات نفسانی آن بزرگواران بوده است و در همه حال دیگران را بر خود ترجیح می دهند و این گونه کارها را برای خدا انجام می دهند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۳۵۲/۲۵).

۴-۵. صبر

فضیلت دیگری که در این آیه در کنار وفای به نذر بیان شده، صبر است. صبر انواعی دارد که یکی از انواع آن، صبر بر طاعت الهی است. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «الصَّبْرُ ثَلَاثَةٌ صَبْرٌ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ وَ صَبْرٌ عَلَى الطَّاعَةِ وَ صَبْرٌ عَنِ الْمَعْصِيَةِ وَ مَنْ صَبَرَ عَلَى الطَّاعَةِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ سِتْمِائَةَ دَرَجَةٍ مَا بَيْنَ الدَّرَجَةِ إِلَى الدَّرَجَةِ كَمَا بَيْنَ تُوْحُومِ الْأَرْضِ إِلَى الْعَرْشِ» (کلینی، ۱۳۸۷، ۹۱/۲). طاعت همواره به میل انسان و خوشایند نیست، بلکه اطاعت از دیگری برای نفس انسان مادامی که با خواسته های او هماهنگ نباشد سخت و ناخوشایند است. گاهی خواسته های انسان با اطاعت خداوند نیز منافات دارد و انسان برای اطاعت الهی باید پا روی خواسته های نفس خود بگذارد، اما انسان، نیرویی درونی به نام صبر دارد که به او قدرت می دهد که در مقابل انواع سختی ها ایستادگی و مقابله کند. این نیرو قابلیت رشد دارد. در دین اسلام، روزه مصداقی از تمرین صبر است. حضرت فاطمه علیها السلام به همراه خانواده اش سه روز به دلیل نذری که کرده بودند روزه گرفتند و هر سه روز غذای خود را هنگام افطار به فقیر و یتیم و اسیر دادند و با آب افطار کردند و برای رضای الهی در انجام این طاعت، صبر کردند. مسلم است که صبر مانند هر فضیلت اخلاقی دیگری مراتب دارد و باتوجه به دیگر شئونش مانند چگونگی نیت و رعایت خلوص آن در

سراسر رفتار و دیگر رفتارهایی که در مواجهه و رابطه با این فضیلت به آن جلا و کمال بیشتر می‌دهند ارزش‌گذاری می‌شود. بنابراین، هرچه ارزش صبر بالاتر رود پاداشش نیز از طرف خداوند متعال بالاتر می‌رود. در ادامه سوره انسان آمده است: «آری پاداش اینان به خاطر صبوری که داشتند بهشت و حریر است. بر تخت‌ها تکیه می‌زنند» (ر.ک.، انسان: ۱۲-۲۱).

صبر حضرت فاطمه علیها السلام و خانواده‌اش به اندازه‌ای بوده که قابلیت تحسینی این چنینی داشته است که خداوند متعال نیز در پاداش با بهجت و سرور با ایشان روبه‌رو شود. صبر آنها آن هم در آن شرایط با اموری دیگر، ارزشی متفاوت و والا گرفته بود. چون ایشان در زندگی دنیا به جز وجه پروردگارش خواسته‌ای نداشت. اراده او را بر خواست خود مقدم می‌داشتند در برابر آنچه او برای آنها مقدر کرده بود و هر محنت و بر مصیبتی که برای آنها خواسته بودن صبر می‌کردند. همچنین بر امتثال هر فرمانی که به ایشان داده بود و بر ترك هر عملی که ایشان را از آن نهی کرده بود، صبر می‌کردند. بنابراین، خدای تعالی مشقت و زحمتی را که در راه بندگی او تحمل کرده بودند به نعمت و راحتی مبدل کرد و به آنها در بهشت ملک و پادشاهی داد که هرچه بیشتر نظر شود بزرگی‌اش بیشتر به چشم آید.

۴-۶. خوف

انسان عاقل بی‌پروا نیست و با حساب و کتاب رفتار می‌کند و نسبت به امور مهم، دقت بیشتری دارد. از اینکه امر مهمی را ضایع کند هراسان است و برای درستی آن تلاش می‌کند. حضرت فاطمه علیها السلام و خانواده بزرگوارش هم خوف داشتند. خوف در لغت یعنی، «حالة تأثروا اضطراب بتوقع ضرر مستقبل أو مواجه يذهب بالأمن وهو من ضعف الخائف و ان كان المخوف أمرا يسيرا» (مصطفوی، ۱۴۰۳، ۳/۱۴۵). خوف به معنای غمی است که حاصل از توقع ضرر مشکوک و گمان به وقوع آن و ناشی از احساس ضعف خائف در مقابل آن است. خوف حضرت فاطمه علیها السلام از چیست؟ خداوند متعال در این باره می‌فرماید: «يَخَافُونَ يَوْمًا كَانَتْ شُرُهُ مُسْتَطِيرًا؛ آنها از روزی می‌ترسند که شری فراگیر دارد» (انسان: ۷). از روز قیامت. برای این روز بیش از یکصد نام در قرآن کریم آمده است که برخی از آنها این‌گونه است: «يوم الحسرة، يوم الندامة، يوم المحاسبة،

يوم المساله، يوم الواقعه، يوم الفارعة، يوم الراجفة، يوم الرادفة، يوم الطلاق، يوم الفراق، يوم الحساب، يوم التناد، يوم العذاب، يوم الفرار، يوم الحق، يوم الحكم، يوم الفصل، يوم الجمع، يوم الدين، يوم تبلى السرائر، يوم لا يغنى مولى عن مولى شيئا، يوم يفر المرء من اخيه، يوم لا ينفع مال ولا بنون، يوم التغابن و...» (مكارم شيرازى، ۱۳۷۱، ۲۸۴/۲۵). علاوه بر اين نام‌ها كه خود خوف و هراس به دل انسان مى‌اندازد، همواره از قيامت با تعابيري هول‌انگيز ياد شده است. «وَ أَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْأَرْفَةِ؛ وَ أَنهَا رَا از روز نزيديك بترسان» (غافر: ۱۸) پیامبر صلی الله علیه و آله را توصيه به انداز مى‌کند كه مردم را از اين روز بترساند. بنا بر اين، عجيب نيست كه حضرت زهرا عليها السلام از چنين روزي خوف داشته باشد و با وجود بهترين و والاترين توشه‌ها از كم بودن فرصت براى توشه‌گيرى و كم بودن توشه راه الهى مانند امام على عليه السلام بنالد. «يقول للذنيا: إلى تغررت أم إلى تشوّقت هيهات هيهات غزى غيرى، قد بتتك ثلاثا، فعمرك قصير و مجلسك حقيق، و خطرك يسير، آه آه من قلة الزاد و بعد السفر و وحشة الطريق» (شوشترى، ۱۳۷۶، ۱۶۴/۳). اين خوف، خوفى پسنديده است كه بايد مورد توجه همه سالكان طريق الى الله باشد.

۴-۷. اميد به لقاء الله

اميد در زندگى انسان بسيار مهم است. اينكه انسان به چه چيزى اميد داشته و به چه چيزى اميد نداشته باشد، مرتبه‌اى از باورهاى انسان را شكل مى‌دهد كه نتيجه آن، رفتارهاى است كه مى‌تواند سرنوشت انسان را بسازد. نداشتن اميد به ملاقات پروردگار به دليل غفلت از آيات الهى و رضايت به زندگى کوتاه دنياست كه موقعيتى سخت و عذاب‌آور به همراه خواهد داشت: «آنها كه ايمان به ملاقات ما (و روز رستاخيز) ندارند، و به زندگى دنيا خشنود شدند و بر آن تكيه كردند، و آنها كه از آيات ما غافلند. (همه) آنها جاىگاهشان آتش است، به خاطر كارهاى كه انجام مى‌دادند». «إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ تَجْرى مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِى جَنَّاتِ التَّعِيمِ دَعَوَاهُمْ فِىهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَ تَحِيَّتُهُمْ فِىهَا سَلَامٌ وَ آخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (يونس: ۷-۱۰). نداشتن اميد به ملاقات پروردگار سرگردانى در طغيان است: «الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا فِى طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ؛ و انسان را مغرور و سرکش مى‌کند»

(یونس: ۱۱)، «وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا اسْتَكْبَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ وَعَتَوْا عُتُوًّا كَبِيرًا؛ به گونه ای که درمقابل روشن ترین دلایل و نشانه ها تسلیم نمی شود و بهانه جویی می کند» (فرقان: ۲۱)، «وَأِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا أَنتَ بِقُرْآنٍ غَيْرِ هَذَا أَوْ بَدِّلْهُ» (یونس: ۱۵). درمقابل، امید به ملاقات پروردگار در کنار رفتارهای شایسته است؛ رفتارهایی که برای خدا انجام می شود و هیچ شرک و توقعی از فرد دیگری در آن راه ندارد: «فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا؛ پس هرکه امید ملاقات پروردگارش را دارد باید عمل صالح انجام دهد و در عبادت پروردگارش احدی را شریک نکند» (کهف: ۱۱۰).

همچنین انسان را متوجه این نگه می دارد که اجل و نهایت زمانی ازسوی خداوند در پیش روی اوست که باید تلاش کند و این تلاش به نفع خود اوست وگرنه باورها و رفتارهای او نفعی برای خدا ندارد و خداوند بی نیاز است: «وَمَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَحْسَنَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ» (عنکبوت: ۷ و ۶). بنابراین در کلام الهی امید داشتن به رحمت الهی نیز ممدوح بوده و به بندگان شایسته نسبت داده شده است به آنهایی که اهل ایمان هستند و در راه خدا مهاجرت و تلاش دارند و خداوند هم در قبال آنها غفور و رحیم است: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (بقره: ۲۱۸). امیدی که مؤمنین به خدا دارند، ولی دشمنانشان ندارند نکته مهمی است که خداوند متعال به مجاهدان در راه خدا متذکر می شود تا بدانند میان رنج ها و سختی های تعقیب و گریز جنگ مؤمنین با دشمنانشان چیست: «وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَكُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا» (نساء: ۱۰۴). قرآن کریم، ترس از قیامت و امید به رحمت را نتیجه دانایی بیان می کند که اهل خرد متوجه آن هستند: «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ» (زمر: ۹)؛ به تعبیری داشتن خوف و رجا در کنار هم نشانه خردمندی و از روی دانایی است. باتوجه به آیات سوره انسان هم که بیان شد، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و خانواده اش نیز دانایانی هستند (ر.ک.، مجلسی، ۱۴۰۳،

۱۱۹/۲۴) که امیدوار به رحمت الهی و روز قیامت هستند. بنابراین، راضی به زندگی دنیا نیستند و برای آخرت خویش در تلاش و تکاپو هستند. در مقابل پروردگار نه تنها مغرور نیستند، بلکه در نهایت تواضع هر سختی را برای رضای او تحمل کرده و همه اعمالشان را برای او انجام می‌دهند.

۴-۸. سخاوت

سخاوت، ملکه‌ای درونی است که نتیجه تکرار انفاق است، کمک به دیگران رفتاری است که دین اسلام آن را جزء اعمال عبادی و حتی کفاره برخی از گناهان قرار داده است. در آیه شریفه به صراحت آمده است: «إِنْ تُبْدُوا الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِيَ وَإِنْ تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهِيَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَ يَكْفُرُ عَنْكُمْ مِنْ سَيِّئَاتِكُمْ» (بقره: ۲۷۱). خداوند متعال انفاقی را می‌پسندد که از بهترین قسمت مال و با مقدم کردن دیگران بر خود باشد و در دادن انفاق اولویت‌ها مدنظر گرفته شود، برای جلب نظر دیگران و همراه با منت و توقع نباشد، بلکه با نیت خالص و برای رضای الهی باشد. آنچه را می‌بخشد از اموال مورد علاقه و حلال باشد. بخشش و انفاقی این‌گونه، موجب صفای باطن از رذایلی مانند پول پرستی، خودشیفتگی و عشق به مادیات شده و موجب به‌وجود آمدن فضیلتی به نام سخاوت در منش انسان می‌شود. حضرت فاطمه علیها السلام سرور زنان جهانیان به استناد آیات الهی متخلق به این اخلاق حسنه بودند، چنانچه در سوره انسان آمده است: «وَ يَطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكُورًا؛ و غذای (خود) را با اینکه به آن علاقه و نیاز دارند به مسکین و یتیم و اسیر می‌دهند (و می‌گویند): ما شما را به خاطر خدا اطعام می‌کنیم و هیچ پاداش و سپاسی از شما نمی‌خواهیم» (انسان: ۹-۸).

حضرت فاطمه علیها السلام مادر خانواده‌ای است که سنتش سخاوت است. آنها با میل و علاقه به مسکین و یتیم و اسیر غذا می‌دادند و این کار را فقط برای جلب نظر الهی انجام می‌دادند و از کسی توقع پاداش و تشکر نداشتند. هرچند این سوره بعد از روزه‌های سه‌روزه نازل شد که آنها با همه نیازی که داشتند دیگران را بر خود مقدم داشتند، اما از آنجاکه فعل مضارع دلالت بر

استمرار دارد و به دلالت اخباری که از ایشان رسیده است این خانواده اهل فضل و انفاق بوده‌اند و این‌گونه رفتارها از جانب ایشان همواره تکرار می‌شده است. همین نوع انفاق آن حضرت و خانواده‌اش بسیاری از معیارهای قرآن بر انفاق پسندیده را بیان می‌کند. اینکه انفاق با میل و علاقه باشد و از آن چیزهایی باشد که انسان برای خود می‌خواهد و می‌پسندد، برای خدا باشد و همراه با منت، توقع تشکر و جبران نباشد. البته این استمرار انفاق همان ملکه سخاست که در وجود ایشان است.

۵. نتیجه

آیات و روایات از جمله احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به صراحت و با روش‌های مختلف دلالت بر جایگاه و مقام والای حضرت فاطمه زهرا علیها السلام دارند. یکی از این روش‌ها، بیان مقاماتی از ایشان است که دال بر الگو بودن ایشان است. با اینکه برخی از ویژگی‌های شخصیتی ایشان نیز که به اشکال مختلف، برجسته، نمونه و تحسین شده‌اند بیانگر دلالت بر شخصیت الگویی ایشان دارد، مقامات الگویی ایشان که قرآن کریم به اشکال مختلف ایشان برای ایشان برشمرده‌اند، عبارتند از: کلمه طیبه بودن، جزء صادقین بودن، صراط مستقیم بودن، آبرومند درگاه الهی بودن، مرجع سؤالات بودن، همراه ضروری مؤمنین بودن. برخی از ویژگی‌های معرفی شده ایشان در آیات الهی نیز عبارتند از: صداقت، طهارت، وفای به نذر، صبر، خوف، امید به رحمت الهی، سخاوت، عدالت و پرثمر بودن.

فهرست منابع

- * قرآن کریم، مترجم: مکارم شیرازی، ناصر.
۱. ابن بابویه، علی بن محمد (شیخ صدوق) (۱۴۰۰). امالی الصدوق. بیروت: اعلمی.
 ۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۳). معانی الاخبار. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
 ۳. ابن ابی‌جامع، علی بن حسین (۱۴۱۳). الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز. (عاملی). قم: دارالقرآن الکریم.
 ۴. ابو حیان، محمد بن یوسف (۱۴۲۰)، البحر المحیط فی التفسیر. بیروت: دارالفکر.
 ۵. اصفهانی، حسین بن محمد راغب (۱۴۱۲). مفردات الفاظ القرآن. لبنان: دارالعلم.
 ۶. آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم. بیروت: دارالکتب العلمیه.
 ۷. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰). الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه. بیروت: دارالعلم للملایین.

۸. حسکانی، عبدالله بن عبدالله (۱۴۱۱). شواهد التنزیل لقواعد التفضیل. تهران: التابعه لوزاره الثقافه و الارشاد الاسلامی. مجمع احیاء الثقافه الاسلامیه.
۹. حسینی همدانی، سید محمد حسین (۱۴۰۴). انوار درخشان. تهران: کتابفروشی لطفی.
۱۰. دیلمی، حسن (۱۴۱۲). ارشاد القلوب الی الصواب. قم: شریف رضی.
۱۱. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل. بیروت: دارالکتب العربی.
۱۲. زید بن علی بن الحسین (علیه السلام) (۱۴۱۲). تفسیر الشهدید زید بن علی المسمی تفسیر غریب القرآن. بیروت: دارالعالمیه.
۱۳. سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۴). الدر المنثور فی تفسیر المأثور. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۱۴. شوشتری، محمد تقی (۱۳۷۶). بهج الصباغه فی شرح نهج البلاغه. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۵. صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد (۱۴۱۴). المحيط فی اللغة. بیروت: عالم الکتاب.
۱۶. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۱۸. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۱). الغیبه. محقق و مصحح: تهرانی. عبادالله... و ناصح. علی. قم: دارالمعارف الاسلامیه.
۱۹. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴). الأمالی (للطوسی). قم: دار الثقافه.
۲۰. طیب، عبدالحسین (۱۳۷۰). اطبیب البیان فی تفسیر القرآن. تهران: کتابفروشی اسلامی.
۲۱. عالمی، سید محمد (۱۳۵۶). رابطه دین و اخلاق (بررسی دیدگاه ها در مناسبات دین و اخلاق). قم: مؤسسه بوستان کتاب.
۲۲. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۴۲۱). تفسیر العیاشی. محقق: رسولی محلاتی. سید هاشم. قم: بنیاد بعثت.
۲۳. فارس، احمد (۱۴۰۴). معجم مقائیس اللغة. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۴. فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر (۱۴۲۰). مفاتیح الغیب. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۵. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰). العین. قم: انتشارات هجرت.
۲۶. فرتاش (۱۴۰۱). الگو، سایت آبادیس. <https://abadis.ir/fatofa>
۲۷. قاسمی، محمد جمال الدین (۱۴۱۸). محاسن التأویل. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۲۸. قرائتی، محسن (۱۳۸۳). تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن.
۲۹. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴). الجامع لاحکام القرآن. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۳۰. قندوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم (۱۴۱۶). ینایع الموده لذوی القربی. محقق: حسینی. سید علی جمال اشرف. تهران: دار الاسوه للطباعه و النشر.
۳۱. کلینی الرازی، ابی جعفر محمد بن یعقوب (۱۳۸۷). الکافی. قم: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.
۳۲. کاشانی، فتح الله بن شکر الله (۱۳۳۶). منهج الصادقین فی الزام المخالفین. تهران: کتابفروشی اسلامی.
۳۳. مازندرانی، محمد صالح بن احمد (۱۳۸۲). شرح الکافی - الاصول و الروضه (للمولی صالح المازندرانی). تهران: المکتبه الاسلامیه.

٣٤. مجلسی، محمدباقرین محمدتقی (١٤٠٣). بحار الأنوار الجامعه لدرر اخبار الأئمه الاطهار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
٣٥. مصطفوی، حسن (١٤٠٢). التحقيق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: مرکز الکتب للترجمه و النشر.
٣٦. مکارم شیرازی، ناصر (١٣٧١). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
٣٧. هلالی، سلیم بن قیس (١٤٠٥). سلیم بن قیس الهلالی. قم: الهادی.

